نخبگان مهاجر را دریابیم

ملاحظاتی در پی بستری شدن استاد فرهیخته مهاجر در بیمارستان ابن‌سینا

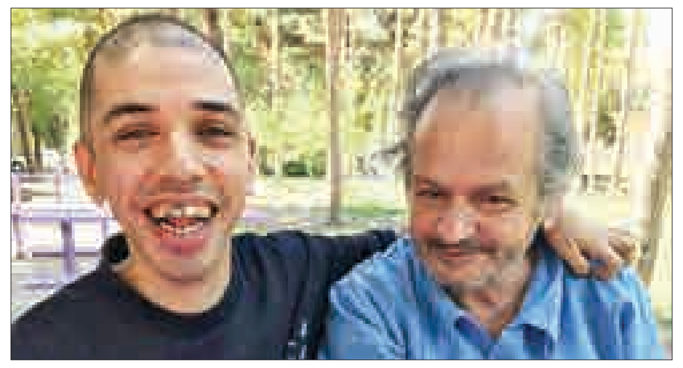

درنگ

وحید حسینی ایرانی | «کار یک فرهیخته شصت‌وهشت‌ساله مهاجر به بیمارستان روان‌پزشکی ابن‌سینا کشیده شده است.» حتی خبری کوتاه در این اندازه می‌تواند ویرانی بسیاری در روح و روان به جا بگذارد اگر بدانی این استاد فرهیخته کیست و چگونه روزگار گذرانده است. نجیب مایل هروی، پژوهشگر برجسته ادبیات فارسی و عرفان اسلامی که حدود نیم سده است در ایران ما وطن گزیده است، کتاب‌های گوناگون (این برگ‌های پیر: مجموعه بیست اثر چاپ‌ناشده فارسی از قلمرو تصوف، پیر بیابانکی: پژوهشی درنقد آرا و آثار سمنانی، خاصیت آینگی: نقد حال و گزیده آثار فارسی عین‌القضات همدانی، معارف سلطان ولد، شرح فصوص‌الحکم و ...) تألیف کرده و مقالات بسیار نوشته است. همکاری با نهادهای فرهنگی ایران مانند آستان قدس رضوی و کتابخانه مجلس شورای اسلامی و دائره‌المعارف بزرگ اسلامی از دیگر فعالیت‌ها و خدمات او به فرهنگ ایران و اسلام است.

اما چرا وضعیت استاد به اینجا رسید که در بیمارستان ابن‌سینا بستری شود؟ زندگی در غربت -اگرچه مورد احترام شماری از مردم جامعه میزبان باشی- دشواری‌های خاص خود را دارد و اگر قوانین دست‌وپاگیر ایران برای اتباع خارجی را به آن بیفزایی، مشکل دوچندان خواهد شد. نجیب مایل هروی اهل هرات است و در سال‌های آغازین جوانی، اوایل دهه ۵۰ خورشیدی، از کشور همسایه و هم‌زبان و هم‌کیش راهی سرزمین ما شد. او تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه فردوسی مشهد به پایان برده و عمری را در مشهد و تهران صرف پژوهش و تألیف و تدریس کرده است. مایل هروی سال ۱۳۸۶ به سبب یک عمر خدمت به تاریخ و زبان فارسی، جایزه ادبی-تاریخی بنیاد دکتر محمود افشار یزدی را از مرکز دائره‌المعارف بزرگ اسلامی دریافت کرد. با این همه، استاد هنوز نتوانسته است اقامت دائم ایران را بگیرد و سال‌به‌سال ناچار است مشکلات و دوندگی‌های تمدید اقامت موقت را به جان بخرد. او حتی زمانی بیکاری و از دست دادن شغل را نیز از سر گذرانده است. به‌جز این‌ها، تنهایی از یک سو و نگهداری از فرزندی که به معلولیت ذهنی دچار است از سوی دیگر، افسردگی استاد را به دنبال داشته است و اکنون مدتی است که در کنار بیماران دارای اختلال روان بستری است.

نگارنده این یادداشت سر آن ندارد که پای بحث‌های تکراری اخلاقی را پیش بکشد و از لزوم توجه به مهاجران بگوید. می‌خواهم تأکید کنم که دست‌کم نخبگان غیرایرانی ساکن در ایران یا متمایل به فرهنگ و کشورمان را باید دریافت. در شرایطی که بیگانگان بر طبل جدایی و چنددستگی در میان مردم منطقه می‌کوبند و سیاست فارسی‌زدایی در افغانستان دنبال می‌شود، توجه به فرهیختگانی چون نجیب مایل هروی که در زمینه اشتراکات فرهنگی ما و کشورهای فارسی‌زبان خدمت‌ها کرده‌اند بیش از هر زمانی بایسته می‌نماید. جذب نخبگان دیگر کشورها می‌تواند بر گسترش دامنه فرهنگ ایرانی و در پی آن ارتقای جایگاه ایران در جهان بینجامد. فراموش نکنیم رویکرد برخی کشورهای توسعه‌یافته را که با آغوش باز به استقبال نخبگان دیگر سرزمین‌ها می‌روند و با ارائه خدمات و تسهیلات، آن‌ها را برای کار یا تحصیل جذب می‌کنند. این رویکرد مختص ایالات متحده نیست که شرایط را برای زندگی نخبگان خارجی فراهم می‌سازد بلکه حتی چین، پرجمعیت‌ترین کشور دنیا، برای افراد مستعد در حوزه‌های علمی و اقتصادی کارت سبز صادر می‌کند. در این گیر و دار، موضوع را مقایسه کنیم با قوانین ایران در مواجهه با اتباع خارجی.

در همین مشهد خودمان بزرگانی در عرصه ادبیات چون ابوطالب مظفری و محمدکاظم کاظمی را داریم که برای ادامه اقامتشان در ایران با بازدارنده‌هایی جان‌کاه دست و پنجه نرم می‌کنند. مظفری از هزینه‌های هرساله تمدید اقامت خود و خانواده‌اش می‌گوید و محدودیت و فرایند اداری دشواری که هنگام سفر به دیگر نقاط ایران با آن روبه‌رو می‌شود، یا کسی در جایگاه کاظمی وقتی در اداره امور اتباع خارجی کارت شناسایی‌اش را پیگیری می‌کند، چون باید شغلی به نام خود ثبت کند و فرم‌های ارائه‌شده نویسندگی و شاعری و پژوهشگری را شغل نمی‌داند، به‌ناچار آنچه برمی‌گزیند «چوپانی» است. وقت آن نرسیده است که در قوانین مربوط بازبینی درخوری صورت گیرد؟ کاری که هم خدا را خوش آید و هم خلقش را و هم با لحاظ کردن منافع ملی، بر تقویت مناسبات ایران با همسایگان بینجامد، کاری که یکی از پیامدهایش پیشگیری از راهی شدن فرهیخته‌ای به بیمارستان روان‌پزشکی باشد که بیش از بسیاری از ایرانی‌ها در اینجا زندگی و به فرهنگ ما خدمت کرده است. ایدون باد.

داستان دفاع مقدس به دور از شعار

نشست نقد و بررسی کتاب «پشتِ درِ بهشت» در خبرگزاری تسنیم برگزار شد

گزارش خبری

نشست رونمایی و نقد و بررسی «پشت در بهشت» به قلم مریم شیدا در خبرگزاری تسنیم در تهران برگزار شد. این کتاب را انتشارات به‌نشر در حوزه ادبیات دفاع مقدس منتشر کرده است.

در جلسه یادشده، احسان رضایی، نویسنده و منتقد، قلم شیدا را روان خواند و گفت: داستان سرگذشت کسی است که فرمانده خود را لو داده است و عذاب‌وجدان دارد.

او تأکید کرد: ما با رمانی روبه‌رو هستیم که سریع نوشته شده است و به‌نظرم، ایده اصلی آن خیلی سریع به ذهن نویسنده رسیده و آن را نپرورانده است.

در ادامه، محمد قاسمی‌پور، مسئول دفتر فرهنگ و مطالعات پایداری مراکز استانی حوزه هنری کشور، نیز با اشاره به بلاتکلیفی برخی فصل‌های کتاب گفت: ضرب‌آهنگ این کتاب برای خواننده عام کند است. فکر می‌کنم لازم باشد سرعت کار کمی بیشتر شود.

حامد صلاحی، کارشناس کتاب، «پشت در بهشت» را خوش‌خوان دانست و اظهار کرد: انواع و اقسام ایثارگری، جانبازی، اسارت و شهادت در این داستان دیده می‌شود. حتی جاهایی رد پای منافقان در اسارتگاه‌های عراق را می‌بینیم.

او این اثر را معارض با نگاه رسمی به جنگ و دور از شعارزدگی ارزیابی کرد.

این کارشناس همچنین تأکید کرد: اینکه نویسنده در داستان خودسانسوری انجام نداده است جای تبریک دارد.

در این نشست، مریم شیدا، نویسنده کتاب «پشت در بهشت»، هم اظهار کرد: این نخستین کتاب من نیست اما نخستین رمانی است که از مجموعه زندگی واقعی و تجربیاتم نوشته‌ام.

او ضمن پذیرش انتقادها، به بی‌اطلاعی‌اش از عناصر داستانی تا پیش از نوشتن این رمان اشاره کرد و افزود: من در نوشتن این رمان از حس درونی خودم کمک گرفتم.

سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

ترجمه منظوم قرآن مجید توسط عباس دوزدوزانی یک اثر خلاقانه و قابل توجه است. امیدوارم بعد از بهبود یافتن، شاهد ترجمه‌ای دیگر در همین حوزه از این ادیب باشیم.

صاحب خبر

● **آشنایی با تفکر انتقادی**

نشست‌های آشنایی با معرفت‌شناسی و تفکر انتقادی برگزار می‌شود. این نشست‌ها قرار است چهارشنبه هر هفته ساعت ۱۹ در بنیاد فردوسی (شاخه توس) میزبان مخاطبان باشد. علاقه‌مندان به شرکت در برنامه می‌توانند به نشانی خیابان احمدآباد، بین ملاصدرای ۱۰ و ۱۲، ساختمان مهدی، واحد ۳۰۵، مراجعه کنند.

● **انتشار یک کتاب فلسفی**

کتاب «انسان کنش‌شناسی حکیمان پیشاصدرایی» با همکاری بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در روزهای اخیر منتشر شد. «انسان کنش‌شناسی سینوی» و «انسان کنش‌شناسی ابن مسکویه» عنوان‌های دو فصل این کتاب هستند. بنا به اعلام بنیاد پژوهش‌ها سید حمیدرضا حسنی و هادی موسوی با رجوع به آثار اصلی و منابع دست اول این کتاب را به نگارش درآورده‌اند.

● **مشق اجتهاد در مدرسه سعادت**

کارگاه آموزشی «مشق اجتهاد» برپا می‌شود. هدف این طرح روشمند کردن علوم اسلامی و پرهیز دادن این علوم از شلختگی در بیان نظریات و روشمند کردن استدلال‌ها و استنباطات علوم اسلامی بیان شده است. نخستین کارگاه آموزشی این طرح پس از ثبت‌نام از ۲۳ تا ۲۸ تیرماه ۹۷، با حضور استعدادهای برتر حوزه علمیه مشهد در مدرسه علمیه سعادت برگزار می‌شود.

● **«کلاه قرمزی» هر جمعه پخش می‌شود**

«کلاه قرمزی ۹۷» که در اعیاد امسال و نوروز پخش شده است، از جمعه ۲۲ تیر ماه به صورت هفتگی روانه آنتن شبکه دو سیما می‌شود. مجموعه «کلاه قرمزی ۹۷» با عروسک‌های جدید از جمله پیشی‌جان، موشی‌جان، داداش گلم، خونه بغلی و ... در نوروز ۹۷ پخش شد و قسمت‌های جدید آن نیز در اعیاد و مناسبت‌های پیش‌رو روی آنتن می‌رود. این مجموعه به کارگردانی و اجرای ایرج طهماسب جمعه‌ها ساعت ۲۱ پخش می‌شود.

● **همکاری دوباره محمدرضا گلزار و ساره بیات**

پیش‌تولید فیلم جدید منوچهر هادی با نام موقت «خزه» به تهیه‌کنندگی علی سرتیپی از مدتی پیش آغاز شده‌است و گروه این روزها مشغول انتخاب بازیگران فیلم هستند تا فیلم‌برداری به‌زودی آغاز شود.

به گزارش صبا، محمدرضا گلزار جدیدترین بازیگری است که حضورش در فیلم قطعی شده‌است تا سومین تجربه همکاری‌اش با منوچهر هادی بعد از سریال پرمخاطب «عاشقانه» و فیلم پرفروش «آینه بغل»، در فیلم «خزه» رقم بخورد.

پیش از این حضور ساره بیات، بهرام افشاری و سعید آقاخانی در این فیلم قطعی شده بود.

● **زندگی‌نامه پروین اعتصامی به سینماها می‌آید**

فیلم سینمایی با عنوان موقت «پروین» درباره زندگی پروین اعتصامی تا پایان امسال تولید خواهد شد. فیلم‌نامه «پروین اعتصامی» توسط نغمه ثمینی، نمایشنامه‌نویس و فیلم‌نامه‌نویس مطرح سینمای ایران، در حال نگارش است.

قرار است در این فیلم روایت جدیدی از زندگی این شاعره به نمایش گذاشته شود. روایتی متفاوت با دیدگاه‌های رسمی و رایج و به اصطلاح مدرسه‌ای. بر اساس گفته نغمه ثمینی، نویسنده این فیلم‌نامه، پروین اعتصامی شاعری است که در زیر سایه خوانش‌های رسمی گم شده و شاید آنچه بیش از اشعار پروین اهمیت داشته باشد، نحوه زندگی اوست. زنی که با جسارت پای شعر ایستاده و راه را برای آیندگان گشوده است.

تندیس پروین اعتصامی درخانه این شاعره در تبریز

آراستن کلام دشوار به زیبایی ادبیات

اهالی فرهنگ به مناسبت سالروز درگذشت «عین صاد» از او و دیدگاه‌هایش می‌گویند

گفت‌وگو

امیرعلی قاسمی‌مقدم | تفاوت را می‌شود از همان نامی که به آن اشتهار داشت ردگیری کرد؛ حروفی اختصاری: عین صاد. گستره دانایی‌اش نیز ویژگی بارز او بود و از کُنج‌های معرفت تا عرصه‌های اجتهاد و اندیشه را دربر می‌گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی صفایی حائری (۱۳۷۸-۱۳۳۰خورشیدی) از نوجوانی علاقه‌اش به ادبیات را با مراجعه به آثار ادبی شرق و غرب نمایان ساخت و در بزرگ‌سالی نیز دوست شماری از اهل هنر و ادبیات با آن‌ها در تعامل بود. سهیل محمودی، صادق کرمیار، علیرضا داوودنژاد، رسول ملاقلی‌پور، نادر طالب‌زاده، ابوالقاسم طالبی، فرجا... سلحشور، جمال شورجه و سید رضا میر کریمی تنی چند از این اهالی ادب و هنر بودند. عین صاد نگاه ویژه‌ای به برخی امور ازجمله دین داشت؛ از دید او دین آمده است تا کوتاهی فلسفه یونان و عرفان هند و اخلاق ارسطویی را جبران کند. دیدگاه‌های او را برخی برنمی‌تابیدند و حتی به التقاط متهمش کردند. ۲۲ تیر سالروز درگذشت نویسنده کتاب‌هایی چون «مسئولیت و سازندگی»، «رشد» و «صراط» است و مجالی برای مرور زندگی و دیدگاه‌های او.

● **در حوزه‌های گوناگون سرآمد بود**

غلامرضا بنی‌اسدی، روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی، مردم‌داری را ویژگی ممتاز مرحوم صفایی حائری می‌داند و می‌گوید: افراد زیادی هستند که در یک یا دو حوزه تخصص دارند اما انسان‌های معدودی را همچون مرحوم صفایی می‌توان پیدا کرد که در ابعاد گوناگون فلسفه، عرفان، ادبیات، فقه و جز این‌ها تخصص داشته و سرآمد باشند.

به اذعان او، عین صاد معتقد بوده است که فراتر از یک نگاه رسمی فقهی باید نگاهی همه شمول و انسان‌محور داشت. او می‌افزاید: استاد افراد را جذب می‌کرد نه آنکه دفع کند. اگر با شک و تردید وارد بحث با او می‌شدید، با انگ کافر یا بی‌دین بودن، شما را طرد نمی‌کرد. ایشان معتقد بود که شک مقدمه یقین است و تا به پرسش نرسید، به جواب نمی‌رسید. این سلوک شخصیتی باعث می‌شد بسیاری از افرادی که از دین فاصله گرفته بودند، بار دیگر به دامن اسلام بازگردند.

این فعال پیشکسوت رسانه، ارتباط صفایی حائری با هنرمندان را بسیار نزدیک توصیف می‌کند و با بیان اینکه او دیدگاه‌های خاصی درباره موضوعات هنری داشت، اضافه می‌کند: رضا میر کریمی، فیلم سینمایی «زیر نور ماه» را تحت تأثیر نظرات استاد صفایی تولید کرد. درواقع آثار سینمایی متعددی وجود دارد که مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از آن مرحوم تولید و عرضه شد.

او تصریح می‌کند: ایشان درباره موسیقی دیدگاه جالبی داشت. معتقد بود که نمی‌توان برای همه یک نسخه پیچید و گفت که موسیقی حرام است یا حلال. مرحوم صفایی حائری تأکید می‌کرد که برای هر فردی باید متناسب با ظرفیت فکری‌اش نسخه نوشت.

● **شاید دلیل برخی مخالفت‌ها حسادت باشد**

این فعال فرهنگی تأکید می‌کند: عین صاد به مقوله حجاب نیز نگاه متفاوتی داشت و بر این باور بود که حجاب صرفا به معنای پوشش بانوان نیست؛ مهم این است که انسان سد راه رسیدن دیگران به کمال معنوی نشود. چه زن با بدپوششی و چه مرد با نگاه بی‌پرده‌اش.

به گفته بنی‌اسدی، مرحوم صفایی حائری به اتفاقات روزمره زندگی با زاویه دید متفاوت می‌نگریست و از هر اتفاق ساده‌ای، برای زندگی خود درس می‌گرفت. او معتقد بود که بلا انسان را از کمبودهای زندگی‌اش آگاه می‌کند.

این روزنامه‌نگار پیشکسوت می‌گوید: استاد صفایی حائری در جوانی به درجه اجتهاد رسید و در حوزه‌های مختلف تخصص داشت، بنابراین اینکه برخی از آقایان با نگاه آن مرحوم مشکل دارند، شاید ناشی از حسادت به ایشان باشد.

او می‌افزاید: صفایی حائری از زمان خود به‌مراتب جلوتر بود. اکنون جوانان به اندیشه‌های ایشان روی آورده‌اند و شگفتی‌های نگاه آن مرحوم در مسائل مختلف در حال کشف شدن است.

● **تواضع، عامل جذب جوانان**

حجت‌الاسلام علی عابدینی از نزدیکان علی صفایی حائری، معرفت به عرفان را از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی او برمی‌شمرد و درعین‌حال بر نگاه خردگرایانه او به موضوعات در کنار نگاه عارفانه‌اش تأکید می‌کند.

او می‌افزاید: مرحوم استاد صفایی حائری معتقد بود که نباید به دین نگاه احساسی داشته باشیم. ایشان اعتقاد داشت که اشک ریختن برای امام‌حسین (ع) باید برگرفته از معرفت دینی و فراتر از حرکتی احساسی باشد.

این استاد حوزه علمیه خاطرنشان می‌کند: ایشان انسان بی‌تکلفی بود و به معنای واقعی کلمه از دنیا گذشته بود. تواضع ایشان برای همگان زبانزد بود و این ویژگی باعث می‌شد جوانان به او اقبال ویژه‌ای داشته باشند.

● **چارچوب‌های معرفتی را برهم می‌زد**

حجت‌الاسلام مسعود زارعیان، هنرمند حوزوی، هم که خود را خواننده آثار و علاقه‌مند به سیر اندیشه و نگاه مرحوم صفایی حائری می‌داند، درباره ابعاد شخصیتی او می‌گوید: آن مرحوم در حوزه‌های مختلف ادبی و هنری تخصص داشت و صاحب‌نظر بود. استاد صفایی تسلط هنری منحصربه‌فردی داشت و همین مسئله باعث می‌شد که دیدگاه و نظر ایشان بر قشر هنرمند جامعه مؤثر واقع شود.

این مستندساز با اذعان به اهمیت ویژه‌ای که عین صاد برای هنر و ادبیات قائل بوده است، تأکید می‌کند: قرارگرفتن فقاهت در کنار ذوق هنری، از ایشان خطیب توانایی ساخته بود و تأثیر کلام ایشان را دوچندان کرده بود. ذوق هنری او باعث شده بود بسیاری از کسانی که حتی اندک ارتباطی هم با مباحث دینی نداشتند، مجذوب کلام ایشان شوند.

> قرار گرفتن فقاهت در کنار ذوق هنری، از ایشان خطیب توانایی ساخته بود و تأثیر کلام ایشان را دوچندان کرده بود

زارعیان با بیان اینکه شیوه سخنرانی‌ها و مجموع فعالیت‌های آن مرحوم تحت تأثیر ادبیات و هنر بود، می‌افزاید: در کتاب «تو می‌آیی» یا مقدمه کتاب «انسان در دو فصل»، هنگامی که مرحوم صفایی حائری درباره خود و پدرش صحبت می‌کند، به روشنی می‌توان نثر بسیار قوی، جذاب و هنری ایشان را شاهد بود. استاد صفایی مخاطب را به خوبی می‌شناخت و دشواری‌های کلام را به زیبایی‌های هنری و ادبی می‌آراست.

او چگونگی مواجهه با مباحث را یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فرد عین صاد می‌داند و می‌گوید: ایشان در مباحث همه چارچوب‌ها را برهم می‌زد و معرفت جدیدی در افراد ایجاد می‌کرد. همچنین احاطه چندجانبه به زندگی باعث شده بود که نسبت به مسائل نگاه تک‌بعدی نداشته باشد.

● **رویکرد انتقادی به برخورد قهری**

این طلبه هنرمند با اشاره به دیدگاه آن روانشاد درباره حجاب هم اظهار می‌کند: ایشان معتقد بود مادامی که تلقی ما از انسان این باشد که به این دنیا آمده است تا صرفا لذت ببرد، حجاب به عنوان محدودیت در ذهنمان باقی خواهد ماند. انسان باید تجلی‌گاه صفات الهی باشد اما اگر نگاه مادیگرایانه داشته باشیم، حجاب اسارت و زندان خواهد بود. او معتقد بود که باید ببینیم چه خوراکی به نسل امروز داده‌ایم که از آن‌ها توقع باحجاب بودن داریم. باتوجه به دیدگاه او حرکت‌های اشتباه و برخوردهای تند با مقوله بدحجابی و بی‌حجابی نه تنها تأثیر مثبتی نداشته، بلکه مشکل را مضاعف کرده است، چون درنظر گرفته نمی‌شود که فرد تحت تأثیر خانواده، یا بر اثر لجبازی و ناآگاهی به این سمت و سو سوق پیدا کرده است.

نماشهر

تیغ گرما برتن مشهد

ساناز صفائی | فرنوش فرشچی

عکس: احمد حسنی/شهرآرا

در خلوت نت‌ها

گفت‌وگو با آهنگ‌ساز «هماگون» که می‌گوید برای مردم موسیقی تولید می‌کند

گفت‌وگو

قاسمی | هر قطعه از آلبوم «هماگون» حس مخصوص به خودش را دارد. برخی قطعه‌ها شاد هستند و برخی ملودی‌ها، آدم را به عمق فرو می‌برند. این حس‌ها حاصل لحظه‌های خلوت کردن آهنگ‌سازی است که سال‌ها تلاش او برای اجرای گروهی بی‌حاصل ماند، درون خانه نشست و برای آنچه در سر داشت نوشت. محمدرضا دستگاهدار، آهنگ‌ساز آلبوم «هماگون»، متولد ۱۳۵۷ است. این هنرمند، اصالتا یزدی و ۱۰ سال می‌شود که ساکن مشهد است. این آهنگ‌ساز که به دندانپزشکی نیز مشغول است، در سال ۷۲ نوازندگی سنتور را نزد استاد ریحانی گذراند و در سال ۸۷ گروه موسیقی «ققنوس» را تأسیس کرد. گفت‌وگوی ما با این آهنگ‌ساز ساکن مشهد در مطب دندانپزشکی‌اش شکل می‌گیرد در حالی که چند آلبوم «هماگون» روی میزش به چشم می‌خورد.

● **همکاریتان با وحید تاج از کجا شروع شد؟**

آلبوم «هماگون» شاید بیشتر به‌دلیل کناره‌گیری من از اجرا به سرانجام رسید. حدود سال‌های ۹۲ با وحید تاج ارتباط داشتم. چند قطعه برایش فرستاده بودم که در نهایت به اجرا با ما اظهار تمایل کرد. این ارتباط ادامه داشت تا اینکه شهریور سال ۹۲ اجرایی با این خواننده درمشهد ترتیب دادیم. بعد از آن قرار بود برای شیراز و اصفهان اجرا بگیریم که به‌دلیل نبود حامی مالی امکان‌پذیر نشد.

● **در سال‌های ابتدایی تأسیس گروه موسیقی‌تان چند اجرا داشتید که شرایط مناسبی نداشت. آیا موفق نبودن شما در اجراها باعث شد به آهنگ‌سازی رو بیاورید؟**

بله. هرچند پیش از این ماجرا آهنگ‌سازی را شروع کرده بودم. به‌ویژه بعد از فوت پدرم در سال ۹۰ که تأثیر زیادی روی من گذاشته بود. همان زمان قطعه‌ای به نام فراق ساختم. تشویق‌های استاد بابایی، خواهرزاده استاد مشکاتیان، که یکی از قطعاتم را شنیده بودند نیز روی من تأثیرگذار بود. در کنار انگیزه‌هایی که آن زمان داشتم، موفق نشدن اجراها باعث شد به جای انرژی گذاشتن روی اجرا به آهنگ‌سازی رو بیاورم. همین شد که در سال ۹۳ اجرای صحنه‌ای را کنار گذاشتم و به فکر جمع‌و جور کردن قطعات آلبوم «هماگون» افتادم.

● **فکر نمی‌کنید اگر همه ملودی‌های آلبومتان تصنیف بود، روی فروش تأثیر بیشتری می‌گذاشت؟**

در این صورت قطعا فروش بهتری می‌کردم اما دوست داشتم در کنار ساز و آواز، پیش درآمد و تصنیف و چهارمضراب هم باشد. شاید اگر به توصیه برخی از دوستان همه قطعات تصنیف بود، روی فروش تأثیر بیشتری می‌گذاشت اما دوست داشتم هر قطعه حس خودش را داشته باشد.

● **چقدر روی این آلبوم زمان گذاشتید؟**

به طور کلی دو سال طول کشید تا همه این‌ها به نت تبدیل شد. بعد با نظر استاد بابایی اعضای گروه را انتخاب کردم. سه تا از نوازنده‌های حرفه‌ای تهران یعنی استاد جهان‌آبادی که کمانچه می‌زند، پاشا هنجنی، نی و حسین‌رضایی‌نیا، نوازنده دف، کارشان را با گروه ما شروع کردند.

استاد جهان‌آبادی که سرپرست ارکستر همایون شجریان نیز هست به عنوان فردی حاذق در ضبط همراه ما بود. بخش ساز را ظرف هشت ماه در مشهد ضبط و بعد از آن برای خواننده کار باز مشورت کرد و به نتیجه رسیدیم از آقای تاج استفاده کنیم. بنابراین با تاج هماهنگ و بخش آواز را در تهران ضبط کردیم.

● **گفته بودید هیچ حامی مالی نداشتید. چقدر برای این آلبوم هزینه کردید.**

چیزی حدود ۶۰ میلیون تومان. پولی که هرگز به من برنخواهد گشت و من این را می‌دانستم چون برای دلم کار کردم. ولی گاهی این موضوع فکرم را به خود مشغول می‌کند که من شرایط مالی این کار را داشتم. اما خیلی‌ها هستند چنین شرایطی ندارند. پس هرگز نمی‌توانند کارهای مورد علاقه‌شان را انجام و آلبوم بیرون بدهند. این خیلی غم‌انگیز است.

تنها کسی که از من حمایت کرد یکی از همکارانم است به نام دکتر حسینی که رادیولوژیست است. آمد و یکجا ۸۰۰ نسخه از آلبوم را خرید تا در روز عید غدیر هدیه بدهد.

● **در نهایت «هماگون» همان چیزی شد که در ذهنتان بود؟**

بازخورد مخاطب نشان می‌دهد که من به هدفم رسیده‌ام یا نه. به هر حال من می‌خواستم چند قطعه برای مردمانی داشته باشم که در جامعه با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. برای همین هم قطعه شاد ساخته‌ام هم قطعاتی که عمیق‌تر و حرفه‌ای‌تر هستند.

● **گروه «ققنوس» از کجا شکل گرفت؟**

بعد از درگذشت استاد مشکاتیان و در سال ۸۸ پایه گروه «ققنوس» را گذاشتیم. در واقع اجراهای گروه را هم از قطعات استاد مشکاتیان شروع کردیم. سال ۸۹ اولین اجرا را در سینما سیمرغ مشهد داشتیم. آن زمان هم مجوز برای اجرا نداشتیم و به ما گفتند به مناسبت نیمه شعبان اجرا کنیم. برای همین مجبور شدیم یک سری برنامه و سخنرانی به همین مناسبت هم در برنامه‌مان جای دهیم. به طور کلی در همه دنیا کار آهنگ‌سازی سخت و اجرا بسیار راحت است. اما در کشور ما برعکس، آهنگ‌سازی راحت‌تر از اجراست. چون معمولا کارها به اجرا نمی‌رسد یا خیلی سخت اجرا می‌شود.

● **مشهد هنرمندان موسیقی زیادی دارد اما دیده نمی‌شوند. چه بر سر آن‌ها می‌آید؟**

بله مشهد استعدادهای خوبی در موسیقی دارد اما متأسفانه این استعدادها یا هرز می‌روند یا برای ادامه فعالیت به شهرهای دیگر می‌روند. در واقع وقتی نوازنده‌ای به گروهی می‌پیوندد انتظار اجرا دارد. اصلا روال کار این است که گروه بعد از تمرین اجرا کند. انرژی که من در اجرا می‌گیرم در کار آلبوم به‌دست نمی‌آورم.

از طرفی می‌بینم در مشهد سالن‌های خوبی هم وجود دارد. مثلا سالنی بود در بولوار شهید نامجو که برای اجرا بسیار مناسب بود. مسئولش می‌گفت در این سالن تنها یکی دو بار در سال برنامه مناسبتی اجرا می‌شود!

> خیلی‌ها به‌خاطر شرایط مالی نمی‌توانند کارهای مورد علاقه‌شان را انجام و آلبوم بیرون بدهند. این خیلی غم‌انگیز است

● **در نهایت فکر می‌کنید چه چیز به موسیقی ما کمک می‌کند؟**

تحصیلات موسیقی برای کودکان در مهدکودک‌ها و مدارس. باید بدانید کسی که از کودکی ریتم را بشناسد هرگز به سراغ هر موسیقی نمی‌رود. موسیقی درست را انتخاب می‌کند. دیگر نمی‌رود برای دیدن اجرای یک موسیقی بسیار بد، مبلغ زیادی بلیت بخرد و آخر سر هم برود در جایی پنهانی و اجرای زیرزمینی را تماشا کند.

● **بعد از «هماگون» به کار بعدی فکر کردید؟**

راستش الان خیلی خسته‌تر از آن هستم که به کار بعدی فکر کنم. آن هم در شرایطی که هیچ‌کس نه تنها حمایت مالی نمی‌کند که حمایت معنوی هم نمی‌شویم. خوب است بدانید در مطب من تا دو سال پیش تمرین موسیقی بود اما الان نیست. همسرم از من می‌پرسد چرا چهار ماه است ساز دستم نگرفته‌ام؟ چون انگیزه ندارم. انگیزه‌ای که ما می‌خواهیم خیلی گران نیست. چه می‌شود مثلا شهرداری روی بیلبوردش از فلان آلبوم تبلیغ کند تا هنرمندان دیگر هم انگیزه بگیرند؟ چه می‌شود فلان نهاد شرایط اجرا برایمان فراهم کند. وقتی به همه این چیزها فکر می‌کنم برای کار بعدی مردد می‌شوم. هرچند که همین الان چند قطعه آماده دارم. ولی واقعا انگیزه بالایی برای این کار لازم دارم.

اکران «برسد به دست آقای بنان» در مشهد

پنجشنبه بازار

مستندی با طعم موسیقی‌های بنان، متفاوت‌ترین اثر خواننده پیش‌کسوت موسیقی پاپ و یک تئاتر کافه‌ای پیشنهادات گرم ما برای سومین هفته تیرماه است. در مطلب پیش‌رو، این آثار را معرفی می‌کنیم.

● **فیلمی برای استاد بزرگ**

در میان ترافیک سنگین فیلم‌های اجتماعی و کمدی، سینمای هنر و تجربه، تماشای فیلم‌های مستند، تجربه متفاوتی برای فیلم‌بین‌هاست. سینمای هنر و تجربه فضایی برای آشنایی با آثار هنرمندان آبدیده‌ای است که ساختارهای جدید را تجربه می‌کنند. با وجود آنکه اکثر این فیلم‌ها از کیفیت خوبی برخوردار هستند اما نمایش‌های محدودی در سینماهای کشور دارند و به صورت تک سئانس و دوره‌ای روی پرده می‌روند. در هفته پیش‌رو پردیس سینما هویزه مشهد، مستند «برسد به دست آقای بنان» را اکران خواهد کرد. این فیلم به کارگردانی و تهیه‌کنندگی زهره محقق از اواخر اردیبهشت ماه امسال اکرانش را در سینماهای کشور آغاز کرده است. در این مستند ۸۷ دقیقه‌ای زندگی شخصی و هنری غلامحسین بنان، استاد نامدار و خلاق آواز ایران، به واسطه نامه‌ای که به او نوشته می‌شود، بررسی می‌شود.

در بخش‌هایی از این مستند تصاویری از صحبت‌های خود بنان و محمدرضا شجریان که در جشن ۱۰۰ سالگی بنان مطرح شده‌بود، می‌بینیم. پیش از این هیچ فیلمی درباره زندگی این خواننده موسیقی کلاسیک ایرانی ساخته نشده بود. زهره محقق، کارگردان مستند «برسد به دست آقای بنان»، نحوه ساخت این اثر را این‌گونه شرح می‌دهد: «این فیلم را سال ۱۳۹۲ ساختم و در آن زمان اصلا «بنان» را دوست نداشتم. من در رادیو کار می‌کردم و مجبور شدم برنامه‌ای ده دقیقه‌ای درباره او بسازم. به همین دلیل سراغ ساختن این فیلم رفتم و در نهایت از دوست نداشتن بنان پشیمان شدم.» «برسد به دست آقای بنان» روز دوشنبه ۲۵ تیرماه ساعت ۱۹ در پردیس سینمایی هویزه اکران خواهد شد.

● **آلبوم متفاوت رهنما**

مانی رهنما پس از گذشت شش سال، این روزها آلبوم جدیدی با عنوان «با خودم می‌رقصم» روانه بازار موسیقی کرده است. این آلبوم در سبک پاپ و شامل ده قطعه با تنظیم‌های بهنام رهنماست. «با خودم می‌رقصم» تجربیات جدیدی درباره کلام و موسیقی دارد و آن را می‌توان یکی از متفاوت‌ترین آلبوم‌های مانی رهنما دانست. بیشتر ملودی‌های این آلبوم از ساخته‌های خود رهنما و تمامی قطعات این مجموعه آکوستیک هستند و ضبط آن‌ها بیش از پنج سال در استودیو پاپ به طول انجامیده است. از ترانه‌سرایانی که در این آلبوم با رهنما همکاری داشته‌اند، می‌توان به اندیشه فولادوند، مریم یوسفی و سجاد ایران‌نژاد اشاره کرد.

● **روایتی از تنهایی در یک کافه**

اگر به دنبال یک تئاتر متفاوت هستید، به تماشای تئاتر کافه‌ای «من مرتضی تنها هستم؛ یک روایت از مریم» بنشینید. فصل اول نمایش «من مرتضی تنها هستم ؛ یک روایت شیرین از فوجی یامای تلخ» سال گذشته در مشهد روی صحنه رفت و توانست با استقبال به نسبت خوب مخاطبان مواجه شود. فصل دوم این نمایش اما قصه‌ای متفاوت و جدید را روایت می‌کند اما همچون فصل پیشین به صورت مونولوگ و تک بازیگر اجرا می‌شود. «من مرتضی تنها هستم؛ یک روایت از مریم» نمایشی اجتماعی است که به تنهایی انسان در جامعه امروزی و آسیب‌های گوناگون و افسردگی ناشی از این تنهایی می‌پردازد.

درس‌های کیوان ساکت در همین حوالی

موسیقی

نوازنده برجسته تار و سه‌تار و آهنگ‌ساز مشهدی قرار است به زودی دوره آموزشی تخصصی تار و سه‌تار را در مشهد برگزار کند. کیوان ساکت درباره برگزاری این کلاس‌ها به شهرآرا می‌گوید: پیش‌تر به دعوت انجمن موسیقی، کلاسی را در مشهد برگزار کردم که با استقبال خوب هنرجویان همراه شد. از این رو بار دیگر برای برگزاری کلاس آموزشی از من دعوت شد. به گفته ساکت، انتشار کتاب جدید او درباره ردیف، بهانه دیگری برای برگزاری این کلاس‌ها است. او درباره کتاب خود توضیح می‌دهد: من در این کتاب از نگاهی نو ردیف‌های موسیقی را بررسی کردم. کتاب‌هایی که پیش‌تر در این‌باره به چاپ رسیده‌است، تنها آموزشی هستند و کمتر به جنبه احساسی پرداخته‌اند. اما در کتاب ردیف کاربردی به طور کامل جنبه احساسی رعایت شده و به صورت کاربردی به آن پرداخته شده‌است. ساکت ادامه می‌دهد: به این ترتیب قرار است، کارگاهی برای هنرجویان و کلاسی برای آشنایی با این کتاب موسیقی برای مربیان برگزار کنم. این استاد موسیقی با اشاره به مؤثر بودن این کلاس‌ها برای اهالی موسیقی می‌گوید: این کلاس‌ها قطعا در نگاه، سلیقه موسیقیایی، جمله‌بندی و حالت نواختن ساز تأثیر دارد.

وی با تأکید بر تداوم برگزاری این کلاس‌ها می‌گوید: اولین جلسه این کارگاه‌ها جمعه ۲۲ تیرماه برگزار می‌شود. همچنین قرار است هر دو یا سه ماه به مدت ۲ سال این کلاس‌ها به صورت مرتب برگزار شود.

برگزاری جشنواره نمایشنامه‌نویسی تئاتر خیابانی

فراخوان

اولین جشنواره نمایشنامه‌نویسی تئاتر خیابانی در حوزه فرهنگ شهروندی برپا می‌شود.

علاقه‌مندان برای شرکت در این رویداد، باید موضوعات ترافیک، سرعت غیرمجاز، رعایت حق تقدم، حرکت بین خطوط، استفاده از حمل‌ونقل عمومی، رعایت نکات ایمنی در موتورسواری و حقوق متقابل عابران پیاده و رانندگان را مدنظر قرار دهند.

در نخستین دوره جشنواره نمایشنامه‌نویسی تئاتر خیابانی هر نویسنده تنها می‌تواند با دو اثر شرکت کند. همچنین متون ارسال شده نباید پیش از این در هیچ جشنواره یا اجرای عمومی دیگری شرکت داده شده باشند. این متون باید در مهلت فراخوان به صورت فایل word روی لوح فشرده به همراه چهار نسخه پرینت اثر به دبیرخانه تحویل داده شود. مهلت ثبت‌نام و ارسال آثار تا چهارم مردادماه ۱۳۹۷ است و اختتامیه و اعلام آثار برتر این رویداد ۳۱ مردادماه هم‌زمان با عید سعید قربان برگزار می‌شود. جوایز این جشنواره، ده میلیون ریال برای هر یک از شش اثر برگزیده اول به همراه دیپلم افتخار و تندیس جشنواره، هفت میلیون ریال برای هر یک از شش اثر برگزیده دوم به همراه لوح تقدیر و پنج میلیون ریال برای هر یک از شش اثر برگزیده سوم به همراه لوح تقدیر هستند.

علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند به سایت www.etefaq.org مراجعه یا با شماره تماس ۳۷۴۲۹۲۰۰/ داخلی ۲۷۷/۲۷۸ دبیرخانه فرهنگ شهروندی تماس حاصل کنند.

سیاوش طهمورث، بازیگر سینما و تلویزیون:

در فضای فعلی هنرمند معنا ندارد و هنر کیلویی چند؟ واضح بگویم، باور کنید اگر می‌دانستم معنا و مفهوم هنر به اینجا می‌رسد هرگز وارد کار هنری نمی‌شدم.